

درباره فیلم «**علفزار**»، ساخته کاظم دانشی

دسته‌گل برای سخنرانی

محمدعلی افتخاری؛ فیلم «علفزار» ادامه روایت استراتژیکی است که برخی از آثار سینمای ایران در یک دهه گذشته با تصور پیش‌کشیدن موضوع قانون دنبال کرده‌اند. در مسیر گسترش این روایت، سینما و ترفندهای دل‌انگیزش به کمک سینماگر آمده تا بخشی از نازیبایی‌های سخنرانی عدالت در مواجهه با گرفتاری‌های ناتمام شهروندان تلطیف شود.ازجمله ترفندهایی که در این فیلم‌ها وجود دارد و بیشتر در مبانی آموزشی سازمان‌های استعدادیابی دیده می‌شود، استفاده هرچه بیشتر از حقه‌های روایی و بصری است؛ تا جایی که تماشاگر به دو چشم باز برای سیراب‌شدن تبدیل شود و امان فکرکردن نداشته باشد.عباس کیارستمی در دوران حیاتش تا جای ممکن تلاش کرد عدالت تماشاگر را از این دستور فرمایشی سینما دور کند و جایگزین‌های متعددی نیز پیشنهاد داد که با درنظرگرفتن کم و کاستی‌ها، هر پیشنهاد در جای خود قابل بررسی است. مخالفت سینماگرانی مثل کیارستمی با این شیوه رنگ‌آمیزی فیلم، تنها بر سر ازبین‌رفتن چیزی به نام «اصالت هنر سینما» نبود؛ بلکه فرورفتن در

چرخه تولید انبوه فیلم و گرایش به سفارشی‌سازی این نفرت را به وجود آورده بود. فیلم «علفزار» به خوبی نشان می‌دهد که ضرورت کناره‌گیری سرمایه‌گذاران فیلم از تولید ملودرام‌های بی‌خاصیت تلویزیونی و فیلم‌های پول‌ساز و رجوع شتاب‌زده به ساخت فیلم‌های اجتماعی چیست. سازوکاری که روایت «علفزار» از چیزی به نام جامعه را شکل می‌دهد، شبیه به سخنرانی است که در میان حضار نشسته و تنها به این فکر می‌کند که زنبیل خالی‌اش را پر کند. پس به هر قیمتی که شده میکروفن را می‌قاید و حرف‌هایی را تکرار می‌کند که پیش‌ازاین از زبان یک یا دو سینماگر صادق شنیده شده است.

فیلم‌نامه «علفزار» در سالن سخنرانی دو کاربرد عمده دارد؛ اول تصاحب جایی که احساس می‌کند به‌سادگی اختیارش به او سپرده خواهد شد و دوم وارونه‌کردن خواسته اولیه شهروندان در برابر چیزی به نام عدالت. بازپرس در فیلم «علفزار» به‌عنوان قهرمان تمام‌عیار ایرانی، وظیفه اول را به خوبی انجام می‌دهد. او قرار است در مقابل شهردار و دادستان مقابله کند؛ اما به‌خوبی

می‌داند که حضور ماورایی او در این صحنه بیش از هر چیز برای رنگ‌آمیزی‌کردن یک ساختمان است؛ جایی که در فیلم‌نامه «علفزار» به‌عنوان قلمرو زیست بازپرس به‌ظاهر مهربان بازنمایی می‌شود. پیداست که تاریخ انقضای این رخداد سینمایی تا زمانی است که چراغ سالن خاموش شود. پس از آن، هرکدام از این بناها در هر نقطه‌ای که روی نقشه فیلم «علفزار» دیده شوند، یک معماری مشابه را نشان خواهند داد. ازاین‌رو در پیرنگ «علفزار» خواسته بازپرس برای نقل مکان، قادر نیست که هویت مکانی را تغییر دهد. صحنه‌ای که در فیلم «علفزار» برای حضور این تیپ اجتماعی برگزیده شده است، محدوده‌ای فراتر از یک یا دو ساختمان است. باری ارتباط او با سایر همکارانش در جایی دیگر کیفیت متفاوتی نخواهد داشت؛ بنابراین فرقی نمی‌کند که او در مقابل وعده شهردار چهره‌ای انسان‌دوستانه از خود ساخته و با آرایش مد روز پیش چشم تماشاگر امروز خودنمایی کند یا رفتاری مشابه همکارانش داشته باشد و سرگذشت زن تتهای گرفتار را نادیده بگیرد.



کشتی هفتادوپنجم

مجید موثقی در جشنواره فیلم فجر

«کلر دنی» داوران را مجبور به دادن این جایزه مشترک کرد و این سؤال پیش می‌آید که چرا یک مدرس سینما، مؤلف و منتقد برجسته در تیم داوری مشاهده نمی‌شود. همین تصمیم شتاب‌زده در جایزه ویژه هیئت داوران نیز به چشم می‌خورد. قرارگرفتن فیلم چشمگیر و تأثیرگذار «**ایو-‎Bo**» اثر فیلم‌ساز و نقاش بزرگ لهستانی «یرژی اسکولیموفسکی» در کنار فیلم متوسط «هشت کوه» اعتبار این جایزه را پایین آورده است.

«پسری از بهشت - Boy from heaven» فیلم تحسین‌شده «طارق صالح» که شانس بزرگ گرفتن نخل طلا بود، برنده جایزه بهترین فیلم‌نامه شد؛ فیلمی که تعلیق بالایی در روایت و کارگردانی دارد و اختصاصی یک جایزه برای این فیلم نفس‌گیر کافی نبود؛ زیرا کارگردانی این فیلم بسیار بهتر از فیلم خسته‌کننده «تصمیم به رفتن» آخرین ساخته «پارک جان ووک» بود که برنده نخل طلای بهترین کارگردانی شد.

جوایز بازیگری در بخش زنان نیز با اینکه خانم «آلیونا میخایلیوا» بازی خوبی در فیلم‌های زن جایکوفسکی به کارگردانی «کریل سربرنیکوف» از خود بروز داد؛ اما مصلحت داوران به نفع زر امیرابراهیمی تمام شد و در بخش بازیگران مرد نیز بازی درخشان «توفیق برهم» در فیلم «پسری از بهشت» به کارگردانی هوشمندانه «طارق صالح» و نقش آفرینی موثر «میر فرانتسکو فابونو» در فیلم «نوستالژیا» سلیم‌نامه را بیشتر به یک اقتباس آزاد تبدیل کرده که خوب «سعید پورصمیمی» در فیلم «برادران لایلا» از چشم داوران دور ماند و سرانجام «سونگ کانگ هو» بازیگر رهای فیلم «دلال» برنده این جایزه شد.

«عنکبوت مقدس» فیلم جنجالی علی عباسی که خیلی‌ها چشم‌انتظار نخل طلا برای آن بودند، از پختگی کارهای قبلی او مانند «سُلی» و «مرز» برخوردار نبود. اضافه‌شدن شخصیت یک زن خبرنگار، فیلم‌نامه را بیشتر به یک اقتباس آزاد تبدیل کرده که تنها ردپایی از واقعه مستند «قاتل عنکبوتی» را با خود دارد و بیشتر شبیه به یک فیلم سیاسی و جنجال‌برانگیز است تا یک اثر هنری تأمل‌برانگیز. با توجه به کاربلدی علی عباسی در ژانر سینمای وحشت، این بار او با رویکرد رئالیستی و عدم شناخت این نوع سینما، این فیلم را به قوام خوبی در کارگردانی رسانده؛ زیرا جهش ناگهانی خبرنگاری محتاط که بی‌درنگ بدون هیچ‌گونه دلیلی خود را به دام مرگ می‌سیارد، توانسته این فیلم را در فیلم‌نامه با توجه

به فضاسازی، فیلم‌برداری و تدوین خوب آن، به یک فیلم ماندگار و باورپذیر تبدیل کند؛ اما بازی «مهدی بهستانی» در نقش «سعید کجایی» یکی از نقاط قوت فیلم است که توسط داوران نادیده گرفته شد؛ اما جایزه زر امیرابراهیمی به‌عنوان اولین بازیگر زن ایرانی، سینمادوستان کشورمان را شادمان کرد؛ زیرا زندگی پرفرازونشیب او که مجبور به مهاجرتی ناخواسته و مصون‌ماندن از زخم زبان‌ها شد، هیچ‌گاه او را تک‌افتاده و گوشه‌نشین نکرد و مشخص است.

برای رسیدن به این موفقیت پرتلاش ظاهر شده است. حضور پیرنگ سینمای ایران در هفتادوپنجمین جشنواره بین‌المللی کن نشاندهنده پتانسیل و اشتیاق بالای فیلم‌سازان ایرانی در این دوره بوده است. سعید روستایی با گرفتن جایزه شهروندی و همچنین جایزه مهم «فدراسیون منتقدان و روزنامه‌نگاران بین‌المللس سینمایی (فیبرسئی)» که به‌نوعی سخت‌گیرترین داوران در کشف سینمایی نو و متفاوت به شمار می‌آیند، نگاه ویژه‌ای را به سمت سینمای ایران معطوف کرد؛ این کارگردان جوان که ۳۳ سال بیشتر ندارد، از طریق شخصیت لایلا، آینه‌ای شکسته در برابر نسل گذشته قرار می‌دهد، به امید آنکه در یکی از بریده‌ها، عدم درک متقابل این نسل‌ها از یکدیگر میسر شود، زیرمتن فیلم از جاه‌طلبی پیرمردی به نام اسماعیل با بازی درخشان سعید پورصمیمی سخن می‌گوید که در پی «بزرگ فامیل شدن» است تا ششیدن ندای درونی فرزندان که در گرداب معضلات اقتصادی و تحريم‌ها در حال غرق‌شدن هستند، تمام ثروت پدر ۴۰ سکه‌ای است که برای صعود به «قله بزرگی فامیل» از فرزندان دریغ می‌کند و این همان سستیزی است که گریبان‌گیر بخش عمده‌ای از جامعه ما به‌ویژه رویارویی سنت با مدرنیسم است؛ ازاین‌رو دیدگاهی انتقادی که در زیرمتن فیلم‌نامه و کارگردانی اثر وجود دارد، داوران منتقد این دوره از جشنواره را برای اهدای این جایزه به این فیلم ترغیب کرد و در انتها برادران لایلا که بی‌تأثیر از شاهکار «روکو و برادرانش» ساخته «لوچینو ویسکوتتی» نیست، از میان ۲۱ فیلم بخش مسابقه، برای گرفتن این جایزه انتخاب شد، در بیانیه هیئت داوران به ریاست «احمد شوکی» از مصر آمده است: «قدرت کارگردان در خلق داستانی جذاب، آگاهی‌رسانی عمیق فرهنگی و خلق خانواده‌ای که تحت سیطره یک نظام پدرسالاری و مردسالاری ناکارآمد قرار دارند» دلایل گرفتن این جایزه است که پیش‌ازاین خیلی از بزرگان تاریخ سینما مانند دیوید لین برای

فیلم «برخورد کوتاه»، لوئیس بونوئل برای «ملک‌الموت»، آلن رنه برای «هیروشیما عشق من»، اینگمار برگمان برای «منبع»، آندره تارکوفسکی برای «نوستالژیا» و«ایثار» ویم وندرس برای «پاریس تگزاس»، کریمشوف کیشلوفسکی برای «زندگی دوگانه ورونیکا» برنده این جایزه شدند و این اولین باری است که «در بخش مسابقه اصلی» یک فیلم ایرانی برنده این جایزه مهم می‌شود.

فیلم «تصور - Imagine» اولین ساخته بلند «علی بهراد» نیز یکی دیگر از فیلم‌های ایرانی بود که در بخش هفته منتقدان که یکی از بخش‌های جنبی ولی موثر جشنواره است، نمایش داشت؛ داستان فیلم در یک شرایط محیطی ثابت و در یک تاکسی می‌گذرد. فیلم‌نامه تنها دو بازیگر دارد؛ یک راننده تاکسی با بازی مهرداد صدیقیان و دیگری مسافری دائمی با بازی لایلا حاتمی که همیشه با این ماشین در حال گردش و رسیدن به کارهایش است؛ شب‌های تهران و خیال‌پردازی هر دو آنها با بازی در بازی‌های لایلا

در فیلم بارها تکرار می‌شود، فیلم شروع خوبی در سکانس شب بارانی دارد، کارنکردن برف‌پاک‌کن به هر دو بازیگر تحرک و پویایی خوبی داده است، شوخی‌های کلامی و چهره عوض‌شدن‌های لایلا مخاطب را با یک رمانتیک جاده‌ای پرفرازونشیب مواجه می‌کند؛ اما موقعیت‌های تکراری و شرح روایت‌های رمزآلودی که هر بار در مسیر این شب، چهره‌ای تازه به خود می‌گیرد، با ریتم روایی کند فیلم را خسته‌کننده کرده است، زیرا عمل برانگیزنده درام، مخاطب را به سمت‌وسویی نمی‌برد تا سئیز این شخصیت زن را با تصوراتی که از مردها دارد، درک کند، در واقع وضعیت ذهنی شخصیت زن در کارگردانی به یک «مابازای تصویری» نرسیده و عمل‌نمایشی که بیشتر عمل زبانی و تکرار موقعیت‌ها در تاکسی است، مخاطب را با داستان همسو نمی‌کند و فیلم‌نامه در یک سراسیمگی قرار می‌گیرد؛ اما بازی هر دو بازیگر به‌ویژه در سکانس پانتومیم و ایموچی (شکلک‌درآوردن) از طراوت و پویایی خوبی برخوردار است. لازم به ذکر است که فیلم‌های بخش هفته منتقدان شامل آثار کارگردانانی است که فیلم اول‌شان را ساخته‌اند. جشنواره کن به پایان رسید و با یادبان‌های برافراشته برچیده شدند؛ اما در این سال‌ها چند نخل بلندیلا در پشت کاخ جشنواره به چشم می‌خورند که هر سال خشک‌تر و خشک‌تر می‌شوند، شاید هنر سینما نیز مانند این نخل‌های تشنه، نیاز به آبیاری و آبیاری تازه‌ای دارد.

نویسنده و کارگردان

بازیگری در فیلم «علفزار» نیز چنین خاصیتی دارد. هرچند گروه بازیگران در این فیلم حضور قابل ستایشی دارند و «علفزار» موفق شده است که نظر داوران فستیوال داخلی را به خود جلب کند؛ اما انتخاب بازیگر تحت سفارش فیلم‌نامه، رابطه تماشاگر و فیلم را محدود به هیجان موقت ناشی از تماشای فرورفتن بازیگر در نقش می‌کند. سینمای هالیوود بیشترین میزان توجه مخاطب را با کمک‌گرفتن از این فرایند حاصل کرده است. بازیگران بااستعداد در سینمای سرگرمی‌ساز اسلحه‌خانه‌ای دارند که به وقت نیاز کمال استفاده را از آن می‌برند. در فیلم «علفزار» فیلم‌نامه اجازه نزدیک‌شدن بازیگر به نقش را می‌دهد و به نظر می‌رسد خواسته فیلم این است که تماشاگر ایرانی بازپرس به‌ظاهر مهربان را در هیبت بازیگر محبوبش ببیند. حال باید دید که تفاوت موجود میان تولیداتی مثل «علفزار» و فیلم‌هایی که با گذشت سال‌ها هنوز نگاه مدیران فرهنگی را به خود جلب نکرده‌اند، به ایجاد پارادایم فرهنگی تازه‌ای منجر خواهد شد یا به‌تدریج مهارت تماشاگر در یافتن مناسبات زندگی‌اش بر پرده نقره‌ای را بیشتر خواهد کرد؟

دریچه

تقویت راهبردهای بین‌المللی سینما

نشست مشترک رؤسای سینماهای دو کشور ایران و عراق روز گذشته دوشنبه ۲۳ خرداد در محل سازمان سینمایی برگزار شد.

نشست مشترک محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی و احمد موسی، رئیس امور سینمایی عراق، به منظور تبادل نظر درخصوص گسترش تعاملات و همکاری‌های فرهنگی و سینمایی دو کشور در محل سازمان سینمایی صورت گرفت.

محمد خزاعی در این نشست با اشاره به شاخصه‌های سینمای ایران، از محتوای انسانی و ارزش‌های جهان‌شمول آن گفت؛ سینما یکی از دریچه‌های مهم شناخت فرهنگ یک جامعه و ملت است و یکی از ابزارهای مؤثر در دیپلماسی عمومی در دنیاست. جایگاه ممتاز سینمای ایران بعد از انقلاب اسلامی در جهان و منطقه قابل اعتناست و می‌توان از این ظرفیت برای تقویت مناسبات گسترده بین‌ملت‌ها استفاده کرد.

او ادامه داد: در جهان امروز تقویت مناسبات انسانی و اشتراکات فرهنگی، آیینی و اعتقادی از اهمیت بسزایی برخوردار است و دو ملت ایران و عراق تاریخ و اشتراکات فرهنگی عمیق و ریشه‌دار و روابط دیرینه دارند و سینما در این زمینه می‌تواند باعث قوت و استحکام بیشتر شود.

به گفته او تقویت مسائل فرهنگی و اجتماعی به تقویت و گسترش روابط سیاسی منجر می‌شود.

رئیس سازمان سینمایی با بیان اینکه تاریخچه تأسیس سالن سینما در عراق بسیار قدیمی و ۱۲۰ساله است که نشان می‌دهد مردم عراق به سینما علاقه‌مند هستند، گفت این ویژگی ظرفیت بسیار مهمی برای تعاملات سینمایی بین دو کشور ایران و عراق است. مضافاً اینکه عراق علاوه بر قدمت فرهنگی از جشنواره‌های سینمایی و هنری خوبی هم برخوردار بوده است.

او با بیان اینکه دو کشور می‌توانند در زمینه آموزش، نمایش و عرضه آثار سینمایی همکاری کنند، اضافه کرد: با توجه به ظرفیت‌های موجود ما آمادگی خود را برای تسهیل شرایط حضور سینماگران در جشنواره‌ها، برگزاری هفته‌های فیلم دو کشور، برپایی هفته فیلم محرم و سایر رویدادهای فرهنگی اعلام می‌کنیم و از طریق ظرفیت انجمن سینمای جوانان ایران برای اعزام استاد و مربی تخصصی و ارائه خدمات آموزشی در کشور عراق همکاری خواهیم داشت.

به گفته او تسهیل ارتباط و زمینه‌سازی برای مشارکت نیروهای تخصصی دو کشور در پروژه‌های مشترک سینمایی، تبادل دانش فنی و تخصصی و اعزام استاد و سینماگر به عراق فراهم‌کردن شرایط انجام پروژه‌های تولید مشترک براساس مفاهیم و موضوعات منطقه‌ای و راهبردی و تقویت برگزاری رویدادهای سینمایی از دیگر موارد تفاهمات صورت‌گرفته در این نشست مشترک بود.

احمد موسی، رئیس امور سینمایی عراق نیز در این نشست ضمن قدردانی از همکاری‌های سازمان سینمایی با اشاره به عمق تاریخی و تمدنی دو ملت عراق و ایران، گفت: همکاری فرهنگی و سینمایی و ایجاد فرصت‌های بیشتر برای کار مشترک در حوزه سینما به نفع دو کشور است و به دلیل اشتراکات فرهنگی و دینی دو کشور ظرفیت‌های همکاری بسیار زیادی وجود دارد.

او افزود: سینمای ایران به لحاظ محتوایی و فنی از جایگاه بسیار خوبی در منطقه و جهان برخوردار است و برگزاری هفته‌های فیلم متقابل دو کشور، برگزاری جشنواره‌های سینمایی، تولیدات مشترک و حضور استادان سینمایی ایران در عراق باعث رشد و پیشرفت سینمای عراق خواهد شد.

احمد موسی ضمن اظهار امیدواری برای برگزاری هفته فیلم ایران در عراق در آئینده نزدیک خاطرنشان کرد: پیرو توافقات صورت‌گرفته بین وزیران فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و وزیر فرهنگ عراق، قرار شده ایران در زمینه ارائه خدمات آموزشی و اعزام متخصص و استاد به عراق اقدام کند.

او با اشاره به فقدان سینمای کودک در عراق افزود: ما می‌دانیم سینمای ایران به دلیل پشتوانه‌های فنی و فرهنگی در زمینه سینما به‌ویژه سینمای کودک قوی و موفق است و شاخصه‌های اخلاقی و آموزشی و فرهنگی که این نوع سینما دارد، بسیار مهم است.

او ادامه داد: ازاین‌رو ما به‌شدت به این نوع سینما برای کودکان و جوانان نیاز داریم و خوشحال خواهیم شد نمونه‌هایی از این فیلم‌ها را در عراق داشته باشیم و دفتری در این زمینه ایجاد کنیم.

رئیس امور سینمایی عراق همچنین تقاضا کرد با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سازمان سینمایی ایران هفته فیلم‌های عراقی در ایران برگزار شود.